

۲	یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵ وطن امروز شماره ۴۷۲۵
	
نگاه	

درس‌هایی برای ترور‌یست‌ها

ادامه از صفحه اول

ما هیچ‌گاه آماده انبروی نیروی زمینی نبودیم و ایرانی‌ها نیز این را می‌دانستند. تهران با راهبرد انتقال ظرفیت‌های تولیدی و قطعات بدکی به تأسیسات عمیق زیرزمینی نوانست قابلیت خود را برای ساخت موشک‌هایش حفظ کند». اشاره مهم دیگر آن است که جنگ علیه ایران نشان داد پایگاه‌های آمریکا بسیار آسیب‌پذیرند و ول استریت ژورنال اعتراف کرد صدها آمریکایی کشته و زخمی شدند: «پایگاه‌های ما در خاورمیانه برای اعمال قدرت نظامی آمریکا در منطقه ضروری‌اند اما اکنون در یافت‌هایم این پایگاه‌ها در برابر حمله آسیب‌پذیرند. ۲۸ فوریه، موشک‌ها و پهپادهای ایرانی خسارات سنگینی به پایگاه آمریکا در بحرین وارد کردند و پس از آن نیز پایگاه‌های آمریکا در عراق، اردن، کویت، عمان، قطر و عربستان هدف قرار گرفت. تلفات ما به صدها نفر رسید که ۱۸ کشته نیز در میان آنها بود و خسارات وارده‌شده به ساختمان‌ها و تجهیزات به ۴ میلیارد دلار رسید. پیش از آنکه نیروهایی که از منطقه خارج کرده‌ایم بتوانند بازگردند - اگر اصلا بازگردند - ارتش باید توان خود را برای دفاع از آنها افزایش دهد». درس مهم دیگر برای آمریکا آن است که ایران به‌خوبی با راهبرد تشدید افضی می‌تواند آمریکا را در منطقه زمینگیر کند: «در یافتیم ایرانی‌های می‌توانند با استفاده از نیروهای همپیمان خود در سراسر منطقه، از طریق راهبرد «تشدید افضی» به حملات ما پاسخ دهند. عملیات جنبش انصارالله، تنگه باب‌المندب را تحت کنترل آنان درآورده و حمله پهپادی یک گروه شبه‌نظامی وابسته به ایران از خاک عراق نیز خط لوط علیه شرق - غرب را موقتاً از کار انداخته؛ همان خط لوله‌ای که سعودی بخش بزرگی از صادرات نفت خود را از مسیر خلیج فارس به آن منتقل کرده بود. با کاهش ذخایر نفت دنیا، جهش دیگری در قیمت انرژی می‌تواند اقتصاد جهان را با خطر روبه‌رو کند. در چنین شرایطی، ادامه بن‌بست کنونی در ایران امکان‌پذیر نخواهد بود». به باور این رسانه، جنگ علیه ایران چنان شکستی برای آمریکا بود که احتمالاً این آخرین جنگ آن کشور در غرب آسیا خواهد شد و حتی ممکن است متحدان آمریکا در خاورمیانه مجبور به پذیرش ابرقدرتی ایران کنند: «این سومین ماجراجویی نافرجام آمریکا در خاورمیانه طی یک‌ربع قرن گذشته است و احتمالاً آخرین آن نیز خواهد بود. این جنگ نشانه پایان تلاش ما برای تسلط بر منطقه است و ممکن است روند کاهش تدریجی نیروهای آمریکایی از خاورمیانه را به جریان بیندازد. اگر چنین شود، کشورهای خلیج فارس و دیگر دولت‌هایی که تاکنون به حمایت آمریکا متکی بوده‌اند، ناچار خواهند شد ترتیبات دیگری برای امنیت خود بیابند؛ واقعیتی که رد درخواست عربستان از سوی ترامپ برای پیوستن ارتش آمریکا به جنگ علیه یمن، آن را برجسته‌تر کرده است. متحدان ما در این صورت باید میان پذیرش سلطه منطقه‌ای ایران و ایجاد یک ائتلاف رسمی ضدایرانی - که ممکن است در نهایت اسرائیل نیز به آن بپیوندد - یکی را انتخاب کنند. هر اتفاقی که رخ دهد، جنگ علیه ایران خاورمیانه را برای همیشه تغییر داد».

دیدگاه

سندرم «تیلت» در کاخ سفید

ادامه از صفحه اول

ترامپ صرفاً با طمع کسب یک پیروزی یادآورده و آسان، روی میز غرب آسیا شرط‌بندی سنگینی انجام داد اما وقتی این قمار با پاسخی قاطع روبه‌رو شد و شکست خورد، مجبور شد لباس یک استراتژیست را به تن تصمیم احساسی خود ببوشاند. انسانی که بر اساس عقلانیت عمل می‌کند، ابتدا دلیل می‌آورد و سپس اقدام می‌کند اما یک پوکر باز، ابتدا در گرداب هیجان خود شیرجه می‌زند و سپس، دست‌پازنان، به دنبال دستاویزی برای توجیه خیس شدنش می‌گردد. ترامپ امروز دقیقاً در همین وضعیت رفت‌انگیز قرار دارد. او برای توجیه قمار باخت‌اش، به هر ریسمانی چنگ می‌زند. او اخیراً شروع به انتشار پست‌هایی کرده که حمله به ایران را یک اقدام درست و منطقی جلوه دهد؛ از خطر ایران هسته‌ای برای جهان تا رساندن اروپایی‌ها از موشک‌های ایران و حتی بازترش کلیب‌های مربوط به کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴. همه این تلاش‌ها برای این است که نشان دهد تصمیمش «منطقی» بوده است.

- وقتی اعدای قمارباز رنگ می‌بازد: نفت ۱۰۰ دلاری و وحشت یک ملت**

واقعیت‌ها سر و زمخت اقتصاد، بلوف‌های ترامپ را در هم شکسته است. بر اساس نظرسنجی جدید خبرگزاری آسوشیتدپرس و مؤسسه معتبر «فورک» (AP-NORC) که در آستانه انتخابات میان‌دورای کنگره منتشر شد، ۷۱ درصد آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ در مقابل ایران را مردود می‌دانند و ۶۹ درصد نیز معتقدند این دستاوردها «ارزش چندین نداشته است». مهم‌تر آنکه ۵۵ درصد جامعه، سیاست‌های ترامپ را عمل مستقیم گرانی‌ها می‌دانند.

در بازارهای جهانی، شوخی‌های ترامپ به یک تراژدی اقتصادی تبدیل شده است. در معاملات روز پنجشنبه، قیمت نفت با عبور از مرز روانی ۱۰۰ دلار در هر بشکه، زلزله‌ای در شریان‌های مالی غرب انداخت، سهام اروپا سقوط کرد و بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا به خطرناک‌ترین سطح خود از سال ۲۰۰۷ (پیش از بحران بزرگ) رسید.

- تأمل نهایی: چگونه تماشای فروپاشی یک قمارباز باشیم؟**

وقتی با مردی روبه‌رو هستید که در وضعیت «تیلت» قرار گرفته و جهان را به چشم یک میز رولت می‌بیند، بزرگ‌ترین خطای استراتژیک، «تسلیم شدن» یا بازی کردن در زمین هوس‌های او است. عقب‌نشینی در برابر بلوف‌های بلند و هذیان‌های پرسر و صدای یک پوکر باز، تنها لوازم‌هم‌تر می‌کند تا جایی که برای غارت تمام موجودی شما خیز برمی‌دارد. راحل مهار چنین شخصیتی، «مقاومت صبورانه» است. قماربازانی که می‌بینند حرفش در برابر بلوف‌های هالیوودی، از پرواز B-2 بر فراز کارخانه‌های متحدر تا توهم دعوا در ایران برای رئیس‌جمهور نشدن، تنها با لبخندی معنادر، محکم بر جای خود نشسته، دچار فروپاشی روانی می‌شود. ایران با همین ایستادگی، دست تهی پوکر باز تروریست را برای جهان رو کرده است. در برابر چنین موجودی، نباید میز را ترک کرد، باید با وقار نشست و تماشاگر خودپروانگری مری بود که خیال می‌کرد می‌تواند تاریخ ملت‌ها را چرخ‌خاندن تلس یک کارزینو تعیین کند.



روز گذشته اعلام کرد ششمین فرد بازداشت‌شده در این پرونده نیز آزاد شد؛ جوان ۲۵ ساله‌ای با تابعیت دوگانه انگلیسی - ایرانی که تنها یک روز پیش از آزادی، در لندن بر اساس قانون ضد تروریسم بازداشت شده بود.

این فرد، نخستین بازداشت‌شده در این پرونده نبود، ۵ مرد انگلیسی دیگر که همگی ساکن آن کشورند، ابعاد یکشنبه هفته گذشته در نزدیکی فرورد بازداشت شده بودند. پلیس پس از دریافت گزارشی درباره ۳ خودروی مشکوک که به سمت پایگاه حرکت می‌کردند، وارد عمل شد و منطقه‌ای در نزدیکی روستای ولفورد تخلیه و محاصره شد. ۵ نفر نخست پس از چندین ساعت بازجویی و بررسی، روزهای بعد آزاد شدند. اکنون با آزادی فرد ششم، هر ۶ نفری که در ارتباط با این پرونده بازداشت شده بودند، خارج از بازداشت پلیس قرار دارند، هرچند پرونده ماجرا همچنان در حال بررسی است.

نکته مهم‌تر اینکه با گذشت چند روز از حادثه، پلیس انگلیس اعلام کرده در خودروهای مورد بررسی، بنزین پیدا شده اما هیچ وسیله انفجاری دست‌سازی کشف نشده است. در همان ساعات اولیه، گزارش‌هایی درباره احتمال وجود مواد منفجره منتشر شده بود و همین موضوع موجب شد پرونده در ابتدا به عنوان یک تهدید به اصطلاح تروریستی احتمالی مورد توجه گسترده قرار گیرد اما بررسی‌های بعد نشان داد آنچه در خودروها پیدا شده، صرفاً بنزین بوده و



ادامه از صفحۀ اول
کشوری ممکن است در مجاورت مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهانی قرار داشته باشد اما به دلیل ضعف زیرساخت، ناکارآمدی گمرکی، ناطمیناتی اقتصادی یا فقدان پیوندهای تجاری، سهم محدودی از ارزش افزوده این موقعیت به دست آرد. در مقابل، کشورهایی که توانسته‌اند زیرساخت‌های حمل‌ونقل، خدمات مالی، بنادر، شبکه‌های توزیع و نظام‌های حقوقی کارآمد ایجاد کنند، حتی بدون برخورداری از منابع طبیعی گسترده، به گره‌های مهم اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. برای ایران، این تمایز اهمیت ویژه‌ای دارد. موقعیت جغرافیایی کشور در پیوند دادن اقتصادهای شمال و جنوب و شرق و غرب، ظرفیت تبدیل شدن به یک مزیت پایدار را دارد اما تحقق آن مستلزم عبور از نگاه صرفاً جغرافیامحور و حرکت به سوی سیاست‌گذاری اتصال‌محور است.

ب) کریدور عبوری تا کریدور ارزش آفرین

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های قدرت اتصال، توسعه کریدورهای بین‌المللی حمل‌ونقل است. کریدور بین‌المللی شمال - جنوب، با هدف پیوند دادن هند و اقیانوس هند به ایران، دریای خزر، روسیه و بازارهای شمالی، می‌تواند یکی از ظرفیت‌های مهم اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران باشد. همچنین ارتباطات ریلی و جاده‌ای با آسیای مرکزی، افغانستان، ترکیه و قفقاز، امکان گسترش نقش کشور در شبکه‌های منطقه‌ای را فراهم می‌کند.

با این حال، باید میان «کشور محل عبور کالا» و «کشور تولیدکننده ارزش از عبور کالا» تفاوت قائل شد. ترازینت زمانی به قدرت اقتصادی تبدیل می‌شود که علاوه بر دریافت درآمد حمل‌ونقل، موجب توسعه صنایع لجستیک، انبارداری، بیمه، خدمات مالی، تعمیر و نگهداری، پردازش کالا و اشتغال داخلی شود. به بیان دیگر، هدف نباید صرفاً افزایش تناژ کالاهای عبوری از قلمرو ایران باشد، بلکه باید افزایش سهم اقتصاد ایران از ارزش اقتصادی این جریان‌ها در دستور کار قرار گیرد. تجربه توسعه کریدورهای بین‌المللی نیز بر همین نکته تأکید دارد. گزارش‌های بانک جهانی درباره کریدور میانی، موسوم به مسیر ترانس خزر، نشان می‌دهد ارتقای زیرساخت‌های ریلی و بندری، کاهش موانع مرزی، دیجیتالی‌سازی اسناد و هماهنگی میان کشورهای مسیر، از عوامل تعیین‌کننده افزایش کارایی و ظرفیت اقتصادی کریدورها هستند. این تجربه نشان می‌دهد زیرساخت فیزیکی، بدون اصلاحات نهادی و عملیاتی، به‌تنهایی تضمین‌کننده مزیت رقابتی نیست. برای ایران نیز مساله صرفاً تکمیل یک خط ریلی با توسعه یک بندر نیست،

آزادی هر ۶ متهم به برنامه‌ریزی برای حمله به پایگاه نظامی آمریکا در انگلیس دروغ بودن این ادعا را ثابت کرد

فریب فر فرورد!



نه بمب یا وسیله انفجاری دست‌ساز.

این وضعیت در سطح مستندات علنی، ادعای دخالت ایران در ماجرا را بی‌اعتبار کرد. در روزهای نخست، برخی مقام‌ها و رسانه‌های انگلیس و غرب احتمال ارتباط این حادثه با تهران را مطرح کردند. حتی نخست‌وزیر انگلیس نیز از وجود نشانه‌هایی درباره احتمال نقش یک دولت خارجی سخن گفت. با این حال، پلیس از همان ابتدا تأکید کرده بود تحقیقات ادامه دارد و هنوز نمی‌توان درباره انگیزه، سازمان‌دهنده یا ارتباط احتمالی افراد بازداشت‌شده با یک دولت خارجی نتیجه قطعی گرفت.

به دنبال اتهام‌زنی واهی «اندی برنهام» علیه جمهوری اسلامی ایران، «هوگو شورت» سفیر لندن در تهران روز پنجشنبه ۹ مهر از سوی مجید تخت‌رواچی احضار و مراتب اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران نسبت به استمرار رویکرد مخرب دولت انگلیس در قبال ایران به وی ابلاغ شد. در این جلسه احضار، معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان ضمن یادآوری مسئولیت بین‌المللی دولت انگلیس به دلیل اقدامات متخلفانه متعدد علیه ملت ایران به‌ویژه در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی و امکانات تحت صلاحیت انگلیس برای تدارک و اجرای تجاوز نظامی آمریکایی - صهیونی علیه ایران، تأکید کرد: «کارزار تبلیغاتی اخیر دولت انگلیس در طرح اتهام بی‌اساس به بهانه تلاش برای خرابکاری در پایگاه فرفورد، به هیچ عنوان نمی‌تواند همدستی انگلیس در تجاوز نظامی علیه ملت ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد و دولت لندن باید پاسخگویی مشارکت در جنایت تجاوز و جنایت جنگی ارتكابی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی باشد».

- ماجرای فر فرورد چه بود؟**

ماجرای فر فرورد ابعاد یکشنبه هفته گذشته آغاز شد،

زمانی که پلیس انگلیس در پی تماس یک شهروند درباره ۳ خودروی مشکوک در نزدیکی پایگاه هوایی فرفورد وارد عمل شد. گزارش اولیه از حضور افرادی نقاب‌دار و خودروهایی حکایت داشت که در نزدیکی پایگاه مستقر شده بودند. نیروهای مسلح پلیس در محل حاضر شدند، منطقه را بستند و چندین خانه اطراف نیز برای مدتی تخلیه شدند. تیم خنثی‌سازی بمب ارتش انگلیس نیز برای بررسی خودروها به محل اعزام شد.

فر فرورد یکی از مهم‌ترین مراکز مورد استفاده نیروی هوایی آمریکا در انگلیس است و به دلیل باند طولانی خود برای استقرار و عملیات بمب‌افکن‌های سنگین مناسب است. در جریان جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نیز بمب‌افکن‌های آمریکایی، از جمله B-۱ و B-52، از این پایگاه برای عملیات استفاده کردند.

هفته گذشته، بخش فارسی رسانه سلطنتی انگلیس (بی‌بی‌سی) در گزارشی اذعان کرد: «فر فرورد در میان پایگاه‌های واقع در اروپا، روشن‌ترین نمونه‌ای است که بمب‌افکن‌های آمریکایی از آن مستقیماً برای حمله به اهداف داخل ایران به پرواز درآمدند. دیگر پایگاه‌های انگلیس نیز عمدتاً بخشی از شبکه انتقال و پشتیبانی نیروهای آمریکا بودند». بنا بر گزارش‌ها پایگاه فرفورد همچنان میزبان ۱۲ بمب‌افکن B-1 آمریکاست.

- فلای‌دوبی؛ پرونده‌ای دیگر برای اتهام‌زنی به تهران**
فر فرورد البته تنها پرونده روزهای اخیر نیست که در آن، پیش از روشن شدن ابعاد حادثه، تلاش‌هایی برای قرار دادن نام ایران در کنار ماجرا شکل گرفت. تنها ۳ روز پس از حادثه فرورد، یک حادثه بسیار متفاوت در یک هواپیمای مسافری فلای‌دوبی نیز خیلی زود وارد همین فضای اتهام‌زنی شد؛ حادثه‌ای که هنوز تحقیقات درباره

ایران پس از ژئوپلیتیک

نیرومندتری داشته باشد که شبکه‌ای از منافع متقابل تجاری، صنعتی و زیرساختی پیرامون کشور شکل گرفته باشد. در چنین شرایطی، همسایگان صرفاً محیط پیرامونی سیاست خارجی ایران نیستند، بلکه شرکای بالقوه در ساخت یک فضای اقتصادی مشترک‌ند. توسعه اتصال با آسیای مرکزی، گسترش مبادلات با کشورهای حاشیه خلیج فارس و تقویت پیوندهای تجاری با قفقاز می‌تواند به تنوع‌بخشی روابط اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی کمک کند. البته تحقق این هدف به ثبات مقررات، تسهیل مبادلات مالی، کاهش هزینه‌های تجاری و فراهم شدن امکان فعالیت پایدار بنگاه‌های اقتصادی نیاز دارد.

ث) مسأله اصلی؛ زیرساخت یا کیفیت حکمرانی؟

یکی از خطاهای رایج در سیاست‌گذاری توسعه، تقلیل مسأله اتصال به ساخت جاده، راه‌آهن، بندر و پایانه است، در حالی‌که قدرت اتصال، پیش از آنکه صرفاً محصول سرمایه‌گذاری فیزیکی باشد، نتیجه کیفیت حکمرانی اقتصادی است.

اگر تشریفات گمرکی زمانبر باشد، قوانین تجاری پیش‌بینی‌پذیر نباشد، هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی وجود نداشته باشد یا سرمایه‌گذار با ناطمیناتی مستمر مواجه شود، حتی پیشرفته‌ترین زیرساخت‌ها نیز نمی‌تواند ظرفیت کامل خود را محقق کند.

شاخص‌های بانک جهانی در حوزه عملکرد لجستیک نیز بر ابعادی فراتر از زیرساخت تأکید دارد؛ از جمله کارایی ترخیص گمرکی، کیفیت خدمات حمل‌ونقل، امکان رهگیری محموله‌ها و قابلیت تحویل به‌موقع کالا. نسخه جدید این شاخص‌ها در سال ۲۰۲۵ نیز با اتکا به داده‌های عملیاتی زنجیره تأمین، بر اهمیت سرعت، اتصال و قابلیت اطمینان تأکید کرد. بنابراین گذار ایران به قدرت اتصال باید با چند اولویت همراه شود: دیجیتالی‌سازی فرآیندهای گمرکی، ایجاد پهنه‌رو واحد تجارت، هماهنگی تعرفه‌ها و رویه‌های مرزی با کشورهای همسایه، توسعه مراکز لجستیک داخلی و فراهم کردن فضای بانبات برای سرمایه‌گذاری.

این اقدامات شاید در مقایسه با پروژه‌های عظیم عمرانی کمتر به چشم بیاید اما در عمل می‌تواند تفاوت میان یک مسیر عبوری معمولی و یک کریدور رقابت‌پذیر را رقم بزند.

- ج) از ژئوپلیتیک دفاعی به ژئواکونومی مولد**

ایران به دلایل تاریخی و ساختاری ناگزیر است ملاحظات امنیتی را در سیاست منطقه‌ای خود لحاظ کند، با این حال،

آزادی هر ۶ متهم به برنامه‌ریزی برای حمله به پایگاه نظامی آمریکا در انگلیس دروغ بودن این ادعا را ثابت کرد

فریب فر فرورد!

انگیزه و ارتباط احتمالی عامل آن ادامه دارد. ماجرا روز چهارشنبه هفته گذشته در پرواز FZ1073فلای‌دوبی از دوبی به تل‌آویو رخ داد. هواپیما با بیش از ۱۷۰ سرنشین در حال پرواز بود که کمک‌خلبان عمانی به خلبان حمله و با ضربات تیر اضطراری او را زخمی کرد. در جریان درگیری داخل کابین، هواپیما به‌شدت ارتفاع از دست داد و در فاصله‌ای کوتاه بیش از ۱۴ هزار فوت سقوط کرد. خلبان مجروح توانست در کابین را باز کند و پس از ورود مسافران و مهار کمک‌خلبان، کنترل هواپیما دوباره در اختیار خدمه قرار گرفت.

در نهایت ۲ خلبان ذخیره که به عنوان مسافر در هواپیما حضور داشتند، وارد کابین شدند و هواپیما را به فرودگاه تبوک در شمال غرب عربستان هدایت کردند. هواپیما در عربستان به صورت اضطراری فرود آمد و مسافران بعداً با یک پرواز جایگزین به سرزمین اشغالی منتقل شدند. البته همه این‌ها توضیحات مقامات سعودی، اماراتی و صهیونیست است. در همین حال این گزاره نیز مطرح شده که ماجرای پرواز دوبی - تل‌آویو، یک عملیات پرچم دروغین برای کشتاندن پای ایران به ماجرا بوده است، به‌خصوص اگر توجه داشته باشیم که این اتفاق درست ۳ روز پس از سفر بنیامین نتانیاهو به امارات رخ داد.

شبکه خبری پرس تی‌وی به نقل از منابع آگاه خود خبر داد «سناریوی مضحک مربوط به هواپیماربابی یک هواپیمای اماراتی که از امارات به مقصد سرزمین اشغالی در حرکت بود و سپس در سعودی فرود آمد، روز چهارشنبه ۳ روز پس از آنکه نتانیاهو به همراه چند مقام ارشد نظامی و اطلاعاتی به امارات سفر کرده بود، اجرا شد».

با این حال، هنوز در همان ساعات ابتدایی، در حالی که تحقیقات تازه آغاز شده بود، گمانه‌زنی درباره انگیزه و پشت پرده این حادثه بالا گرفت. نتانیاهو مدعی شد باید مشخص شود آیا کمک‌خلبان همدستی داشته یا اینکه ایران پشت حادثه بوده است. او در عین حال در همان مقطع تأکید کرد برای اعلام نتیجه نهایی زود است.

این احتیاط اما در فضای سیاسی و رسانه‌ای خیلی زود تحت‌الشعاع اظهارات رئیس‌جمهور تروریست آمریکا قرار گرفت. دونالد ترامپ روز پنجشنبه هفته گذشته در پاسخ به پرسشی درباره احتمال ارتباط ایران با حادثه گفت: «بر اساس چیزهایی که می‌شنوم، می‌گویم پاسخ به است اما در حال بررسی آن هستیم». خبرنگاران سپس از او پرسیدند اگر ارتباط ایران با این حمله ثابت شود، آیا آمریکا به ایران پاسخ خواهد داد؟ ترامپ پاسخ داد: «خیلی سخت هدف قرار خواهند گرفت».

اظهارات تهدیدآمیز رئیس دولت تروریست ایالات متحده در شرایطی مطرح شد که هنوز تحقیقات به نتیجه نرسیده بود و حتی مقام‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز با احتیاط درباره انتساب حادثه گمانه‌زنی می‌کردند.

گزارش‌های متعددی به نقل از ۲ مقام امنیتی اسرائیلی حاکی و صهیونیستی به نقل از ۲ مقام امنیتی اسرائیلی حاکی از آن است که بنا بر ارزیابی اولیه، کمک‌خلبان عمانی به تنهایی عمل کرده است. همچنین در گزارش‌های اولیه تأکید شده جمهوری اسلامی ایران ارتباطی با حادثه ندارد.

بنا بر گزارش خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس، در تحقیقات اولیه درباره حمله کمک‌خلبان به خلبان، هیچ مدرکی از ارتباط او با ایران به دست نیامده است.

تقلیل تمام ظرفیت‌های ژئوپلیتیک کشور به کارکردهای بازدارنده، موجب نادیده ماندن بخشی از توان بالقوه ملی خواهد شد. ژئوپلیتیک مولد به معنای تبدیل موقعیت سرزمینی به فرصت‌های اقتصادی، ایجاد منافع مشترک و افزایش هزینه قطع همکاری برای شرکای منطقه‌ای است. در این الگو، قدرت نه فقط در توان جلوگیری از تهدید، بلکه در توان تولید فرصت و سازمان‌دهی همکاری نیز سنجیده می‌شود.

چنین رویکردی می‌تواند به بازتعریف رابطه میان امنیت و توسعه در سیاست ملی ایران کمک کند. امنیت پایدار تنها با کنترل تهدیدهای بیرونی حاصل نمی‌شود، بلکه به اقتصادی توانمند، زیرساخت‌های قابل اشتغال مولد و پیوندهای منطقه‌ای نیز وابسته است.

از این منظر، اتصال اقتصادی نه یک موضوع حاشیه‌ای در سیاست خارجی، بلکه بخشی از معماری بلندمدت امنیت ملی است.

- ایران باید از چهارراه بودن فراتر رود**

مساله ایران در قرن بیست‌ویکم فقدان موقعیت جغرافیایی یا کمبود ظرفیت‌های طبیعی نیست، مساله اصلی، چگونگی تبدیل این ظرفیت‌ها به قدرت اقتصادی و نهادی پایدار است. کشوری که صرفاً در مسیر تجارت جهانی قرار دارد، ممکن است از تحولات پیرامونی تأثیر بپذیرد اما کشوری که به تولیدکننده خدمات، ارزش افزوده و پیوندهای اقتصادی تبدیل شده، می‌تواند در شکل‌دهی به آن تحولات نیز نقش ایفا کند. گذار از قدرت موقعیت به قدرت اتصال، مستلزم تغییر اولویت‌های سیاست‌گذاری است: از پروژه‌محوری به شبکه‌محوری، از نگاه صرفاً ترازینتی به ارزش‌آفرینی داخلی، از رقابت بر سر مسیرها به رقابت بر سر کیفیت خدمات و از دیپلماسی مبتنی بر مجاورت جغرافیایی به دیپلماسی مبتنی بر نهایت، اهمیت راهبردی ایران نباید فقط با این پرسش سنجیده شود که چه مسیرهایی از خاک آن عبور می‌کند، بلکه باید پرسید: چه میزان از اقتصاد منطقه به خدمات، زیرساخت‌ها، تولید و ظرفیت‌های نهادی ایران متصل شده است؟

ایران زمانی از مزیت جغرافیایی خود به قدرت ملی پایدار دست خواهد یافت که دیگر صرفاً چهارراه جهان نباشد، بلکه به یکی از گره‌های ضروری و ارزش‌آفرین شبکه اقتصادی منطقه تبدیل شود.